

پوست در بازی

عدم تقارن‌های پنهان در زندگی روزمره

نسیم نیکولاس طالب

سعید رضائی

هادی بهمنی

نشر نوین

فهرست مطالب

- مقدمه مترجم ۷
- کتاب (۱) مقدمه ۱۱
- پیش درآمد، قسمت (۱) آنتایوس از پافتاده ۱۷
- پیش درآمد، قسمت (۲) بررسی مختصر تقارن ۲۹
- پیش درآمد، بخش (۳) دنده‌های اینسرتو ۶۵
- کتاب (۲) نگاهی مقدماتی به نمایندگی ۷۷
- فصل (۱) چرا هر کسی باید لاک‌پشت‌های خودش را بخورد: برابری در عدم قطعیت ۷۹
- کتاب (۳) بزرگ‌ترین عدم تقارن ۱۰۳
- فصل (۲) نام‌دارترین‌ها پیروز می‌شوند: سلطه‌ی اقلیت یک‌دنده ۱۰۵
- ضمیمه‌ی بخش (۳) چند نمونه‌ی خلاف تصور دیگر در مورد جمع ۱۳۳
- کتاب (۴) گرگ‌ها در میان سگ‌ها ۱۳۸
- فصل (۳) چگونه به صورت قانونی مالک فرد دیگری شویم ۱۳۹
- فصل (۴) پوست دیگران در بازی شما ۱۵۹
- کتاب (۵) زنده بودن به معنای پذیرش برخی ریسک‌های معین است ۱۶۹
- فصل (۵) زندگی در دستگاه شبیه‌سازی ۱۷۱
- فصل (۶) روشنفکر در عین حال احمق ۱۷۷
- فصل (۷) نابرابری و پوست در بازی ۱۸۵
- فصل (۸) متخصصی به نام لیندی ۲۰۳
- کتاب (۶) نگاهی عمیق‌تر به نمایندگی ۲۲۱
- فصل (۹) جراح‌ها نباید شبیه جراح باشند ۲۲۳
- فصل (۱۰) تنها ثروتمندها با سم مسموم می‌شوند: ترجیحات دیگران ۲۴۱

- ۲۴۷..... فصل (۱۱) کردار پیش از گفتار
- ۲۵۷..... فصل (۱۲) فکت‌ها درست هستند، اخبار جعلی هست
- ۲۶۵..... فصل (۱۳) تجارت فضیلت
- ۲۷۵..... فصل (۱۴) صلح، نه جوهر نه خون
- ۲۸۵..... کتاب (۷) دین، اعتقاد و پوست دربازی
- ۲۸۷..... فصل (۱۵) وقتی در مورد دین صحبت می‌کنند، نمی‌دانند از چه می‌گویند
- ۲۹۵..... فصل (۱۶) بدون پوست دربازی، خبری از عبادت نیست
- ۳۰۱..... فصل (۱۷) آیا پاپ آنتیست است؟
- ۳۰۵..... کتاب (۸) ریسک و عقلانیت
- ۳۰۷..... فصل (۱۸) چگونه در مورد عقلانیت عقلانی باشیم
- ۳۱۹..... فصل (۱۹) منطق ریسک‌پذیری
- ۳۳۷..... مؤخره) چیزهایی که لیندی به من گفت
- ۳۳۹..... واژه‌نامه
- ۳۴۵..... پیوست فنی
- ۳۵۷..... یادداشت‌ها
- ۳۵۹..... کتاب‌شناسی

۶۷..... فصل (۱) ریسک و عقلانیت

۶۸..... فصل (۲) ریسک و عقلانیت

۶۹..... فصل (۳) ریسک و عقلانیت

۷۰..... فصل (۴) ریسک و عقلانیت

۷۱..... فصل (۵) ریسک و عقلانیت

۷۲..... فصل (۶) ریسک و عقلانیت

۷۳..... فصل (۷) ریسک و عقلانیت

۷۴..... فصل (۸) ریسک و عقلانیت

۷۵..... فصل (۹) ریسک و عقلانیت

این کتاب در عین مستقل بودن، ادامه‌ای بر مجموعه کتاب‌های *اینسترتو*^۱ محسوب می‌شود که ترکیبی از (الف) مباحث کاربردی، (ب) داستان‌های فلسفی و (ج) تفاسیر علمی و تحلیلی در زمینه‌ی مسائل تصادفی بودن^۲ و نحوه‌ی زندگی، خوردن، خوابیدن، مباحثه، دعوا کردن، دوست‌یابی، کار کردن، سرگرمی و تصمیم‌گیری در شرایط ابهام هستند. درحالی‌که مجموعه‌ی اینسترتو در دسترس گروه وسیعی از مخاطبان قرار دارد، اما فریب نخورید: اینسترتو یک مجموعه تألیف شده است، نه اینکه کارهای انجام‌شده در جای دیگری را به شکلی خسته‌کننده ارائه کند (محتوای فنی همراه *اینسترتو* به کنار).

پوست در بازی چهار موضوع زیر را در یک قالب جمع‌آوری می‌کند: (الف) ابهام و قابلیت اطمینان دانسته‌ها (هم از نظر علمی و هم از نظر عملی؛ البته اگر تفاوتی میان این دو باشد) یا به عبارتی غیرمودبانه؛ قابلیت چرندیابی، (ب) تقارن در امور انسانی که به معنای انصاف، عدالت، مسئولیت‌پذیری و بده‌بستان است، (ج) اشتراک‌گذاری اطلاعات در تعاملات، و (د) عقلانیت در سیستم‌های پیچیده و در دنیای واقعی. این که این ۴ مورد از هم جداشدنی نیستند برای کسی که ... پوست در بازی داشته باشد واضح است.^۳

نه اینکه پوست در بازی فقط برای انصاف، بازدهی تجاری و مدیریت ریسک ضروری باشد: پوست در بازی برای شناخت دنیا نیز ضرورت دارد.

^۱ Incerto

^۲ Randomness

^۳ برای اینکه بفهمیم چرا اخلاقیات، تعهدات اخلاقی و مهارت‌ها نمی‌توانند به‌سادگی در زندگی واقعی مجزا شوند، این مورد را در نظر بگیرید. زمانی که به یک فرد صاحب مسئولیت نظیر حسابدار خود می‌گویید «به تو اعتماد دارم»، آیا منظورتان (۱) اعتماد به اخلاقیاتش است (اینکه پول را به حساب پاناما نمی‌فرستد)، (۲) یا به دقت حسابداری‌اش اعتقاد دارید، یا (۳) به هر دو مورد اعتماد دارید؟ نکته کل کتاب این است که در دنیای واقعی به‌سختی می‌توان اخلاقیات از یک سو و دانش و شایستگی را از سوی دیگر جداسازی نمود.

اولاً همین قابلیت یافتن و پالایش کردن چرندیات است که تفاوت‌های میان تئوری و عمل، تمایز میان تخصص ظاهری و واقعی، و همچنین اختلاف بین دنیای دانشگاهی (با تعبیری منفی) و دنیای واقعی را رقم می‌زند. اگر یک حرف یوگی بریزانه^۱ بزنی، در *دانشگاه فرقی بین دانشگاه و دنیای واقعی نیست؛ در دنیای واقعی، هست*.

ثانیاً کتاب به انحراف از تقارن و بده‌بستان در زندگی مربوط می‌شود: اگر پاداش می‌گیرید، باید برخی از ریسک‌ها را هم بپذیرید، نه اینکه بگذارید دیگران بهای اشتباهاتتان را بپردازند. اگر ریسک‌ها را بر گردن دیگران بگذارید و آن‌ها آسیب ببینند، باید بهایی را برای این امر بپردازید. همان‌طور که باید با دیگران همان‌گونه رفتار کنید که خودتان می‌پسندید، باید به دور از بی‌انصافی و نابرابری، سهم خود از مسئولیت رخدادها را بپذیرید.

اگر نظری بدهید و کسی از آن پیروی کند، از نظر اخلاقی مجبور هستید که خودتان هم در معرض عواقب آن نظر باشید. در صورتی که نظرات اقتصادی می‌دهید:

«از «فکر» خود به من نگوئید، صرفاً بگوئید ترکیب سبد سرمایه‌گذاری‌تان

چیست.»

ثالثاً کتاب به میزان اطلاعاتی که فرد باید با دیگران به اشتراک بگذارد مربوط می‌شود، مثلاً چیزهایی که فروشنده‌ی ماشین دست‌دوم باید (یا نباید) در مورد ماشینش به شما بگوید، چون بخش زیادی از پس‌اندازتان را خرج آن می‌کنید.

رابعاً در مورد عقلانیت و آزمون زمان است. عقلانیت در دنیای واقعی همان چیزی نیست که برای روزنامه‌نگار نیویورکر^۲ یا روان‌شناسی که از مدل‌های مرتبه‌اول

^۱ Yogi Berra بازیکن مشهور آمریکایی بیس‌بال بود که جملاتی گاه متناقض‌گونه داشت. برخی جملات معروف او: «۹۰ درصد بیس‌بال ذهنی، و نصف بقیه فیزیکی است» یا «همیشه به مجلس ختم‌های دیگران بروید، وگرنه به مال شما نمی‌آیند» یا «تا وقتی تمام نشده یعنی تمام نشده».

^۲ New Yorker